گزارش

نگاهی به صنعت موسیقی در جهان

غول‌هایی که موسیقی را محاصره کردند

شرکت‌های بزرگ، چگونه از موسیقی پول درمی‌آورند؟

اگر در گذشته زندگی می کردید و بنا داشتید یک آلبوم موسیقی روانه بازار کنید، هیچ چیز جز عشق دیوانه‌وار به این حرفه، نمی‌توانست به شما انگیزه ورود دهد. ضبط آنالوگ سازهای دستی و هزینه بالای تولید موسیقی بخش کوچکی از هزینه‌ها را شامل می‌شد. تکثیر موسیقی در قالب نوار کاست و چیزهایی شبیه آن و توزیع گسترده به سراسر کشور، قاره و جهان باعث می‌شد صرفا افراد معدودی بتوانند خود را در این عرصه به شهرت برسانند؛ افرادی که یا باید تحت‌حمایت و تایید سرمایه‌دارها قرار می گرفتند یا اینکه خودشان پول بادآورده‌ای در جیب داشته باشند تا بتوانند آلبوم خود را تولید و توزیع کنند.

اینترنت، موسیقی و بلای دانلود

اما تغییرات تکنولوژیکی در سال‌های اخیر، اثری شگفت‌انگیز بر بازار موسیقی گذاشت، به گونه‌ای که پس از آن تقریبا تمامی ۷۰ شرکت بزرگ موسیقی در دنیا، ورشکست شدند. یک رایانه و میکروفن نیاز است تا چند ساعت بعد از اینکه «هوس» خواننده شدن به سرتان زد، اولین آلبوم‌تان را منتشر کنید. اینترنت نیز توانست تمامی مراحل قبلی انتشار موسیقی مثل رایزنی با خرده‌فروشان، بسته‌بندی، تکثیر فیزیکی، ارسال و... را حذف کند تا به صورت رایگان و در عرض چند ثانیه، موزیک شما برای همگان قابل دریافت باشد. اما با تغییر شیوه تولید، شیوه مصرف موسیقی نیز تغییر کرده است و مخاطب در هر زمان و هر مکانی می‌تواند موسیقی را به‌صورت قانونی یا غیرقانونی دانلود کند. خرده‌فروشی‌های موسیقی هم به سمت تعطیلی در حرکتند. اینجاست که بسیاری معتقدند عصر شرکت‌های موسیقایی و تهیه کنندگان به پایان رسیده و خوانندگان خود می‌توانند شرکت‌های تک‌نفره موسیقی داشته باشند و این یعنی صنعتی جدید. اما ماجرا به‌همین سادگی‌ها هم نیست. آسان بودن تولید و توزیع باعث می‌شود اینترنت انباری انبوه از موسیقی شود. در عصر جدید موسیقی این خلاقیت و کیفیت است که حرف اول را می‌زند. از سویی فضای مجازی بستری یکسان برای همه نیست. تبلیغات، رابطه‌ها و همکاری با توزیع کنندگان مجازی چیزی نیست که هر خواننده‌ای بتواند از پس آن بربیاید و این وجود شرکت‌های موسیقایی را ضروری کرده است.

انحصار موسیقی در دست ابرشرکت‌ها

اما اکنون بازار موسیقی جهانی در دستان چهار شرکت است و این چهار برند بزرگ با به‌دست گرفتن ۷۰درصد بازار جهانی و ۸۰ درصد بازار ایالات‌متحده به نوعی یک الیگوپولی (یا انحصار چندگانه) ایجاد کرده‌اند. شرکت‌های کوچک در رقابت با این شرکت‌ها یا هضم می‌شوند و به بزرگ‌ترها می‌پیوندند یا حذف شده و ورشکست می‌شوند. صنعت موسیقی در قرن بیستم انحصاری بوده و بیش از ۷۵ درصد آن تنها به چهار برند مهم «Sony Music, the EMI Group, the Warner Music Group, the Universal Music Group» تعلق داشت. این صنعت هم‌اکنون نیز همین روال را دارد و انحصار چهارگانه همچنان بر بازار موسیقی جهان حاکم است. جالب اینجاست که دو شرکت «سونی» و «وارنر» در صنعت سینما نیز حضور داشته و یکی از ۶ شرکت انحصاری هالیوود محسوب می‌شوند.

EMI Music

«EMI Music» بخشی از گروه «EMI» است و دفتر مرکزی آن در شهر لندن قرار دارد. این شرکت نزدیک به هفت هزار کارمند دارد و در ۵۰ کشور حضور دارد. «EMI» در سال ۱۸۹۷ تاسیس شد که یکی از قدیمی‌ترین شرکت‌های ضبط در جهان است.

Universal Music

«Universal Music» به‌عنوان رهبر بازار جهانی موسیقی شناخته می‌شود و در فروش جهانی ۲۶/۵ درصد سهم بازار را در اختیار دارد. عملیات جهانی یونیورسال شامل توسعه، فروش، بازاریابی و توزیع موسیقی می‌شود. اینها با کمک مجوزها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در ۷۵ کشور به‌دست می‌آید که تقریبا ۹۸ درصد بازار موسیقی را تشکیل می‌دهد.

Warner music group

گروه موسیقی «وارنر (WMG)» تنها شرکت موسیقی است که به‌صورت عمومی در بورس اوراق بهادار نیویورک معامله می‌شود. این شرکت بیش از چهار هزار کارمند دارد و در بیش از ۵۰ کشور جهان، فعالیت می کند.

SONY Music

«SonyBMG» یکی دیگر از چهار شرکت اصلی است. درعرصه بین‌المللی، این شرکت دارای چندین شرکت بزرگ و معتبر مانند «Columbia Records، Epic Records و Legacy Recordings» است. اما سوال اینجاست که این شرکت‌ها با وجود مسائلی که فضای مجازی و تغییرات تکنولوژیکی پدید آورده است، چگونه توانسته‌اند صنعت موسیقی جهانی را از آن خود کنند؟ یکی از برجسته‌ترین راه‌های فروش اینترنتی موسیقی، نرم‌افزارهای تلفن همراه هستند. «اپل» نرم‌افزار «استور آی تونز» خود را در ۲۰۰۳ راه‌اندازی کرد. اپل قراردادی را با تمام شرکت‌های بزرگ برای توزیع موسیقی‌هایشان به‌واسطه استور آنلاین خودش امضا کرد و این به‌معنای یک موفقیت بزرگ برای بازار موسیقی آنلاین بود. بعد از آن به تدریج استورها تاسیس شدند. مدل اروپایی آی تونز شرکت موسیقی« Spotify» است که از ۲۰۱۱ وارد بازار اروپا شده است. مدل‌های کسب‌وکار در صنعت موسیقی در دوره فعلی به چهار بخش عمده تقسیم می‌شود: مدل خرید تک آهنگ یا آلبوم به صورت مستقیم، مدل اشتراک، مدل‌های رایگان مبتنی بر تبلیغات ،مدل ۳۶۰ deal.

گفت وگو

کنسرت یا

گزارشی از مواجهه جامعه

محسن شهمیرزادی
روزنامه‌نگار

نیم‌ساعتی می‌شد که پشت در سالن معطل ایستاده بودیم. صدای پچ‌پچ قطع نمی‌شد که یک‌باره در یک‌وجبی گوشم، جیغی بلند شد.
اااااااه... خب این چه وضعشه؟؟ چرا الان باید همین جور پشت این در لعنتی علاف باشیم؟ اصلا چه حقی دارن که نمی‌ذارن بریم تو؟
دوست اجتماعی‌اش درحالی که مدام انتهای سبیل خود را می‌کشید و با آن ورمی‌رفت انگار که انتظار دارد با این کار سبیلش بلندتر شود، با صدایی نه‌چندان بلند خندید و گفت: حرومه!
تازه حلزونی‌های گوشم از لرزش ایستاده بودند که دوباره جیغی بلند کشید و گفت: یعنی چی که حرومه؟ مملکت مگه صاحب نداره؟ مجوز می‌دین. به خودمون می‌فروشینش. تو تلویزیون میارینشون. به ما و کنسرتش که می‌رسه می‌شه غیرقانونی؟ می‌شه مخل امنیت ملی؟ می‌شه حروم؟ تو هندزفری حلاله، توی کنسرت حروم؟
با اینکه دوست داشتم هرچه زودتر ساکت شود و از جیغ جیغ‌هایش خلاص شوم، اما جمله آخر او واقعا برایم سوال شد. «توی هندزفری حلاله، تو کنسرت مساله‌دار؟» برایم مهم نبود دیگر لغو کنسرت مشکلات تاسیساتی سالن است یا چیز دیگر... سوال او برایم مهم بود. باید جوابش را می‌یافتم. هرچند که علاقه زیادی به موسیقی دارم و همدم من در تنهایی‌ها و شلوغی‌هایم همین جادوگر ندیدنی است. اما من نمی‌شناختمش. من مسلمان عصر «مایکل جکسون» و «جاستین بیبر»، باید گوشه‌ای از خانه‌ام بنشینم و از بلای روزگار تکه‌پتویی پشمینه به سرم بکشم تا به من و دینم آسیب نخورد؟ آیا اصلا چنین چیزی در روزگار آپارتمان‌نشینی و تلویزیون‌بینی امکان‌پذیر است؟ باید اول موسیقی را می‌شناختم و بعد امی فهمیدم نگاه دین به آن چیست؟

ما موسیقی، ما چه کار

موسیقی مگر با من چه کار دارد؟
دوستی گفت برای جوابت باید سفری به دل تاریخ کنی. البته نه خیلی دور، همین ۲۰ سال پیش، جایی وسط تهران، از در که وارد حیاط روایت فتح می‌شوی دست راست نمازخانه‌ای است. وارد نمازخانه که شدی یک مرد عینکی با ریش‌های جوگندمی می‌بینی که چند نفری دورش حلقه زده‌اند. به ریش‌هایش نگاه نکن، عمری سبیل نیچه‌ای می گذاشته و در فلسفه و هنر غوطه‌ور بوده است. هرچی موفرفری عینک گرد روشنفکر پیدا می کردی از دوستانش بوده‌اند. برو گوشه‌ای از نمازخانه بنشین و منتظر باش تا بحث به موسیقی بکشد. «در هنر و تبلیغات غربی، موسیقی اصلی‌ترین عامل به‌شمار می‌آید. راه راحتی هم دارد که می‌شود تشخیص داد چه‌طور اصل است. در فیلم‌ها و تبلیغات غربی، احساساتی را که می‌خواهند به تماشاچی منتقل کنند، از روش دیگری جز موسیقی انتقال نمی‌دهند. اگر احساس غم و اندوهی هست که می‌خواهند آن را به تماشاچی منتقل کنند، عامل اصلی آن هم موسیقی است. اگر می‌خواهند شادی را به تماشاچی منتقل کنند، عینا همین‌طور است. دلیل اینکه از موسیقی به این شکل استفاده می کنند، این است که موسیقی برای تاثیرگذاری بر بشر، مانع عقل را برابر خود ندارد. موسیقی فقط به‌وسیله اعصاب دریافت می‌شود. در بعضی کتاب‌های غربی درباره این بحث می کنند که چه‌طور گیاهان مقابل موسیقی رشد بیشتری دارند. حتی شنیده‌ام وقتی برای گاوها موسیقی گذاشته‌اند، دیده‌اند شیر گاوها بیشتر شده است. کاری هم نداریم که در اثر موسیقی، رشد گیاه بیشتر می‌شود یا کمتر؟ یا اصلا این افزایش رشد چه دلیلی دارد؟ یا اگر در دامداری‌ها شیر گاوها بیشتر می‌شود، دلیلش چیست؟ می‌دانیم که گیاهان عقل ندارند. حیوان‌ها به مفهومی که درباره انسان مطرح است، عقل ندارند. یعنی حتی از مراتب پایین عقل هم که فاهمه و واهمه است، برخوردار نیستند. درباره عقل ان‌شاءا... بحث می کنیم پس چه‌طور است که موسیقی بر آنها موثر است؟ دلیلش این است که اصلا برای دریافت موسیقی هیچ احتیاجی به عقل نیست. یعنی عقل نیست که محتوای موسیقی را ادراک می کند، بلکه اعصاب است. تاثیراتی هم که انسان از موسیقی می گیرد، فقط از راه اعصاب است و بعد تصمیم می گیرد آیا از آن متاثر شود یا نه. خودش را دست این موسیقی بسپرد یا نه. چون اصلا مساله، خود را دست موسیقی سپردن است، موسیقی گوش دادن نیست. اشتباه نشود. اصلا موسیقی گوش دادنی نیست. کسی که موسیقی گوش می‌دهد، خودش را دست موسیقی می‌سپرد و بنده آن می‌شود. یعنی تصمیم گرفته که موسیقی، خوب چیزی است و من می‌توانم موسیقی گوش کنم و تاثرات عصبی آن را بگیرم. به این دلیل دیگر عقلش کنترل ندارد. کسی که این‌طور است، مانع عقل را از همان اول از سر راه برداشته و تصمیم گرفته که خودش را به دست موسیقی بسپرد. دلیل خیلی ساده‌ای دارد؛ چه موسیقی را برای حضرت امام(ره) بگذارید، چه برای من، تفاوتی نمی کند. با اینکه مراتب عقلی‌مان متفاوت است ولی موسیقی را برای هر یک بگذارید، تفاوتی نمی کند. ایشان هم اگر یک موسیقی شاد را بشنود، همه تاثیرهای موسیقی به ایشان منتقل می‌شود. منتها بعد تصمیم می گیرد و موسیقی را قطع می کند و خودش را دست موسیقی نمی‌سپرد. اگر کسی خودش را دست موسیقی بسپرد، خب لذت هم می‌برد. ولی اگر کسی خودش را دست موسیقی نسپرد، موسیقی برایش عذاب‌آور است. جدی می گویم. این‌طور نیست که موسیقی برای همه مردم لذت‌بخش باشد. این یک اشتباه است. اما متاسفانه موسیقی گوش کردن آنقدر در روزگار ما اشاعه دارد که اصلا نمی‌شود این حرف را به کسی زد. چون برایش این تجربه پیش نمی‌آید که مدتی موسیقی گوش نکند، بعد برایش یک موسیقی شادی‌آور - به قول خودشان - بگذارید و ببینید اصلا احساس شادی به آدم دست می‌دهد یا نه. چیزی غیر از عذاب نیست، غیر از تکرار اصواتی که اعصاب آدم را خرد کرده و جدا او را ناراحت می کند.»

> **تازه حلزونی‌های گوشم از لرزش ایستاده بودند که دوباره جیغی بلند کشید و گفت: یعنی چی که حرومه؟ مملکت مگه صاحب نداره؟ مجوز می‌دین. به خودمون می‌فروشینش. تو تلویزیون میارینشون. به ما و کنسرتش که می‌رسه می‌شه غیرقانونی؟ می‌شه مخل امنیت ملی؟ می‌شه حروم؟ تو هندزفری حلاله، توی کنسرت حروم؟**

اما آیا صوت خوش و موسیقی زیبا کلا مطرود است؟ در حدیث‌های زیادی دیده‌ام – به‌ویژه حدیثی که فکر می کنم از امام سجاد(ع) باشد- نقل شده حضرت رسول(ص) صدای‌شان را سر نماز به قدر طاقت ماموم بلند می کردند، صوت خوش را به‌قدر طاقت ماموم از خودشان بروز می‌دادند. این‌طور نبوده با آهنگی که برای خودشان نماز می‌خوانند، برای مردم هم بخوانند. چون می گفتند و نقل شده از امام سجاد(ع). می گفتند اگر می‌خواستند با آن بیان بخوانند، همه از شدت لذت، غش می کردند. نقل شده ایشان صدای خوش حضرت داوود(ع) را داشتند. درباره اینها چه می‌شود گفت؟ این یکی از بحث‌های اساسی درباره موسیقی است؛ یعنی تناسبی که بین محتوا و قالب موسیقی موجود است و اگر این نسبت یا ارتباط قطع شود، آن وقت است که ما موسیقی را به‌طور کلی طرد می کنیم و حرام می‌دانیم. ولی تا وقتی این محتوا را دارد و ارتباط ظاهر و قالب آن با محتوا حفظ شده است، سفارش هم شده در حدیث‌ها درباره اینکه مثلا انسان قرآن را با صوت خوش بخواند یا نمازش را با صوت خوش بخواند. دلیلش این است که وقتی انسان با تمام وجودش مشغول دعاست، محتوای دعا ریشه‌ای صوتی است که انسان به بیان و لحن خود می‌دهد. موسیقی‌ای که در دعا از انسان صادر می‌شود، متناسب با محتوای دعاست که به نیاز و فقر ذاتی انسان برابر خداوند مربوط است.

«حتی در ظاهرش هم مشخص است یعنی وقتی ظاهر، ارتباط خودش را با آن محتوای الهی، روحانی و معنوی قطع می کند، هرچند از نظر فنی در همان دستگاه‌های موسیقی است، منتها با این حال دیگر قابل گوش دادن نیست و حرام است، یعنی گناه دارد. اصلا مساله اساسی در موسیقی همین جاست. اگر این مساله ادراک نشود، نمی‌شود فهمید چرا برخورد اسلام با موسیقی این‌طور است.»
اولا موسیقی اعتیادآور است، خیلی شدید و اعتیادش از هرچیز دیگر هم شدیدتر است و حالت تخدیری آن خیلی عمیق‌تر از هر چیزی است؛ مثل تریاک، مشروب و... حالت تخدیری آن همچنان زیاد است که اصلا قابل ترک نیست. مصاحبه‌ای از حضرت امام(ره) هست. اوایلی که تشریف آورده بودند یا وقتی اروپا و فرانسه بودند، فرموده بودند اصلا مغزی که به گوش دادن موسیقی عادت کرد، دیگر قابل استفاده نیست.

موسیقی؛ حرام است، حرام است، حلال...

چرا بعد از انقلاب، موسیقی حلال شد؟
نمی‌توان انکار کرد که عمده مراجع در سده‌های گذشته با موسیقی مشکلی جدی داشتند و بسیاری آن را حرام می‌دانستند، اما چه‌طور شد که امام خمینی(ره) به‌عنوان نسل جدید مرجعیت شیعه نه‌تنها گوش دادن به موسیقی را حرام ندانست بلکه خرید و فروش ساز آن را نیز تجارتی حلال دانست. به نظر شما چرا عمده فقهای گذشته بر موسیقی اشکال وارد می کردند؟
مراجع به این دلیل با موسیقی مخالفت می کردند که جزء جدایی‌ناپذیر چیزی به اسم «غنا»، «طرب» و «لهو» بود و به حکم امام خمینی(ره): «غنا تنها زیبا ساختن صدا نیست بلکه کش دادن صدا و ترجیع آن با کیفیتی مخصوص که «طرب‌انگیز» بوده، با مجالس لهو و محافل «طرب» و آلات لهو و لعب مناسبت داشته باشد، غنا محسوب می‌شود.» همچنین «طرب آن است که آدمی با حصول آن حالتی ویژه پیدا می کند و عقل او تحت‌الشعاع قرار می گیرد چنانکه شراب بخورد» لهو نیز به‌طور کلی یعنی انجام کاری بی‌هدف، انسان‌هایی که اهل لهوند در زندگی‌شان هدف خاصی ندارند و به یک معنا «هرچه پیش آید خوش آید، هستند.» اگر بحث موسیقی

گفت‌وگو با محسن رجب‌پور، مدیربرنامه‌های حامد همایون و آغازگر پروژه استعدادیابی ایرانیان

«گوش شنیداری» مردم دچار بحران شده است

شاید برای شما هم تعجب‌آور بود که حامد همایون چگونه توانست یک‌ساله به چنین شهرتی دست یابد تا جایی که ضبط‌های خودرو و سالن‌های کنسرت از «دلبراجان جان» اونفس کم می‌آورند. محسن رجب‌پور، مدیربرنامه یا به عبارت دقیق‌تر ایجنت «حامد همایون» است و خط‌مشی‌های رجب‌پور بوده که حامد همایون توانسته با پرورش استعداد خود امروز به چنین جایگاهی برسد با او درباره موسیقی در ایران، مشکلات کپی‌رایت، حامد همایون، منبع درآمدش و... گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

///

در ساختار صنایع موسیقی در جهان، چهار ابرشرکت عمده بازار را در اختیار دارند. آیا در ایران صنعت موسیقی ساختار شکل‌یافته این‌چنینی پیدا کرده است؟

خیر؛ در ایران به این صورت نیست که درگیر فقط چهار شرکت باشیم. در دنیا هم شرکت‌های مختلف موسیقی مشغول به کار هستند. ولی درحال حاضر چهار ابرشرکت در این حوزه مشغول به فعالیت هستند و بعضی از آثار ایرانی هم توسط این شرکت‌ها منتشر شده و در آینده هم امکان منتشر شدنش هست. در ایران به‌طور رسمی حدود ۳۰۰ شرکت تولید موسیقی ثبت شده‌اند. اما در بازار جهانی به تعداد انگشتان دست شرکت داریم که درحال فعالیت هستند؛ مثل تهیه و تولید آثار موسیقی و معرفی استعدادهای جدید و از همه مهم‌تر، برگزاری کنسرت.

آیا در ایران هنرمندان می‌توانند به تنهایی و بدون کمک ایجنت‌ها کسب‌وکار موسیقی راه بیندازند؟

بله؛ می‌شود. نه در ایران، بلکه در بسیاری از نقاط دنیا هنرمندانی هستند که خودشان تصمیم به شروع کار می گیرند. ولی اگر شما ایجنتی نداشته باشید که اصول این کار را به شکل درست بلد باشد، سرعت شما در رشد، سرعت قابل‌قبولی نخواهد بود و از همه مهم‌تر، شما علاوه‌بر اینکه در معرفی خودتان و آثار خودتان ممکن است دچار مشکل شوید، در رعایت قوانین و قواعد حقوقی هم به مساله خواهید خورد. ممکن است آثارتان دزدیده شود و شما نتوانید کاری کنید. از طرف دیگر در ایران طبق قانون هیچ شخص حقیقی، توانایی ارائه درخواست مجوز برای یک اثر موسیقایی را ندارد. در ایران باید زیرنظر یک شرکت موسیقی مجوز بگیرید؛ منتها این محدودیتی برای همکاری با موسسه‌های حقوقی نیست. شما می‌توانید قطعه موسیقی خودتان را تولید و فقط برای دریافت مجوز به آنها مراجعه کنید. این ملاحظات در پخش موسیقی به صورت قانونی است و انتشار موسیقی به صورت غیرقانونی این محدودیت‌ها را ندارد.
اصطلاحا موسیقی زیرزمینی در ایران با دو رویکرد دنبال می‌شود. افرادی که نمی‌خواهند مجوز بگیرند و فعالیت‌های خود را قانونی انجام دهند و افرادی که می‌خواهند مجوز بگیرند اما موفق به دریافت آن نمی‌شوند. عدم موفقیت دسته دوم یا به دلایل فنی قابلیت اخذ مجوز ندارد یا از نظر اخلاقی صلاحیت مجوز فعالیت را پیدا نمی کنند.

یکی از معضلات کنونی جامعه ایرانی مساله کپی‌رایت است. ما رایگان محصولات خارجی را دانلود می کنیم و این انتظار برای ما به وجود آمده که محصولات داخلی (که طبیعتا از کیفیت محصولات بین‌المللی برخوردار نیستند) به صورت رایگان در اختیار ما قرار بگیرند که این تولید و توزیع کالاهای رسانه‌ای را دشوار می کند. در موسیقی عدم‌رعایت کپی‌رایت چقدر برای شما معضل شده است؟

مساله کپی رایت در همه‌جای جهان وجود دارد و در ایران دوچندان است و همین باعث شده که تلویزیون ایران بدون اجازه، بهره‌برداری کند و حتی در فضاهای عمومی بدون اجازه صاحب اثر از آن استفاده می‌شود؛ مثل: «مترو، آسانسور و...» این قوانین باعث شده است که بعضی نهادهای شبه‌دولتی و بعضا ارگان‌های نظامی هم از آثار ما استفاده کنند و حقوق مولف را پرداخت نکنند.

شما برای این معضل چه ترفندی اندیشیده‌اید؟

تمام آثار «ترانه شرقی» به‌واسطه داشتن شرکت در ایالات‌متحده آمریکا و همچنین کانادا، ثبت بین‌المللی شده‌اند. در ایران هم آثار وقتی مجوز دریافت می کنند در کتابخانه ملی ایران ثبت می‌شوند تا در صورت لزوم بتوانیم از حقوق خودمان دفاع کنیم. مشکلات ما در ایران استفاده غیرقانونی سیستماتیک از آثار موسیقی نیست، مشکل ما، استفاده ناآگاهانه و بعضا سودجویانه است. سوءاستفاده‌ای که نفر به نفر اتفاق می‌افتد. ما طبق قانون می‌توانیم از رسانه‌ها